

ایران


سخن‌روز
پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله وسلم:

داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید.

نهج الفصاحه، ص ۶۹، ح ۳۶۰


نگاره


حمیدصوفی طراح و کارتون‌نست



فضای مجازی

گرامیداشت‌یاد پرویز شهیدی به مناسب زادروزش، انتخاب مرضیه برومند به عنوان مدیرعامل خانه سینمای ایران و همچنین اشاره‌ای به ماجرای یک دوستی دردسرساز برای دی‌کاپریو از جمله خبرهایی هستند که در مجازی امروز درباره آنها می‌خوانید.



برای آشنایی که علاقه‌مند ادبیات جهان هستند پرویز شهیدی یکی از نام‌های آشنا و البته محبوب به شمار می‌آید؛ مترجم پیشگسوتی که مدت‌هاست برای ترجمه آثاری خواندنی از زبان فرانسوی می‌کوشد. شهیدی چهاردهم اسفندماه سال ۱۳۱۷ در مشهد متولد و سال‌های مدرسه‌اش در همان شهر سپری شده و بعد از آن برای تحصیل راهی دانشگاه تهران و پایتخت می‌شود. او بعد از کسب کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه موفق به کسب کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی از دانشگاه سوربن هم می‌شود. شهیدی بعد از یک دهه زندگی در فرانسه تصمیم به بازگشت می‌گیرد وهم‌زمان با بازنشستگی زود هنگام خود کار ترجمه را به طور جدی پیگیری می‌شود. به همت این مترجم کشورمان نام سه اثر متعددی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته که تعداد آنها به بیش از یکصد عنوان کتاب می‌رسد. «ادگار آلن پو»، «آنتوان دو سنت اگزوپری» و «مارگریت دوراس» از جمله نویسندگانی هستند که کتاب‌هایی از آنها به همت این مترجم در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

انتخابی تازه در سینما

سرنجام پس از حدود ۶ماه از برگزاری انتخابات هیأت مدیره خانه سینما، سیزدهمین مدیرعامل این نهاد صنفی معرفی شد تا مدیریت آن برای نخستین بار به یکی از سینماگران زن سپرده شود. مرضیه برومند، بازیگر و کارگردان شناخته‌ای است که برای قبول این مسئولیت انتخاب شده است. این هنرمند کشورهام

سال‌هاست در عرصه‌های مختلف هنری از جمله نویسندگی، شاعری، عروسک‌گردانی و حتی صدایشکفی فعالیت داشته است. «شهر موش‌ها» و «۲ و جمله کارهای ماندگاری است که به همت وی ساخته شده و ازدیجه تلویزیون و سینما در برابر دیدگان علاقه‌مندان قرار گرفته است. در متن خانه سینما برای این انتخاب آمده: «مرضیه برومند با بیش از چهل سال سابقه فعالیت، در تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران یکی از مهمترین زنان تأثیر گذار ایرانی است. هیأت مدیره خانه سینمای ایران سه نامبندگی از جامعه اصناف سینمایی با ابراز خشنودی از پذیرش این پیشنهاد از سوی خانم مرضیه برومند، امیدوار است این انتخاب زمینه بهبود وضعیت جامعه سینماگران ایران را فراهم سازد.»


رفاقت دردسرساز برای دی‌کاپریو!

جزئیات جدیدی از روابط «لئوناردو دی‌کاپریو» بازیگر ۴۸ ساله آمریکایی با «جو لو» سرمایه‌دار مالزیایی که در حال حاضر به دلیل ارتباطش با یکی از بزرگترین رسوایی‌های فساد در جهان تحت تعقیب مقامات بین‌المللی قرار گرفته است، آشکار شده است. نشریه پلومبرگ برای نخستین بار جزئیاتی از اسناد پلیس

اف بی‌آی فاش کرد که در آن مقامات در سال ۲۰۱۸ با «دی‌کاپریو» در مورد رابطه او با «جو لو» که متهم به مشارکت در یک طرح پولشویی بیش از ۴.۵ میلیارد دلار از صندوق سرمایه‌گذاری دولتی مالزی است، صاحبه کردند. «دی‌کاپریو» در سال ۲۰۱۰ با «لو» در یک کلوب شبانه آشنا شد و در ادامه رابطه نزدیکی برقرار کردند. این بازیگر و تهیه‌کننده هالیوودی در این رابطه توضیح داده است: «من برای لو کار می‌کردم … و این تجارت به روابط اجتماعی نیز تبدیل شد. بنابراین ما یکدیگر را بیشتر دیدیم و تعامل بیشتری وجود داشت.» «جو لو» علاوه بر تأمین مالی فیلم نامزد اسکار «گرگ وال استریت» محصول ۲۰۱۳ که «دی‌کاپریو» در آن بازی کرد، هدایای لوکس مختلفی را به دی‌کاپریو داد که از آن جمله می‌توان به مجسمه اسکار ۶۰۰ هزار دلاری «مارلون براندو» و همچنین نقاشی ۹ میلیون دلاری «ژان میشل باسکیا» اشاره کرد. در سال ۲۰۱۸، «دی‌کاپریو» پس از تحقیقات در مورد اتهام کلاهبرداری میلیارد دلاری «لو»، این هدایا را به مقامات بازگردانده است.

یک اجرا برای زلزله‌زدگان

«لبیرو»، نمایشی که این شب‌ها میزبانی علاقه‌مندان را به عهده دارد اجرای جمعه‌شب خود را به مردم زلزله‌زده خوی، ترکیه و سوریه تقدیم کردند.فاطمه مسعودی، امیر گل محمدی، نسترن حسینی، امیر میرزایی، آیلین موسیوند، محمد جواد کهن، مهدی عبیدی و علی ارضی بازیگران جوانی هستند که در این نمایش ایفای نقش می‌کنند. داستان نمایش «لبیرو» درباره جوانانی در کشور است که دچار مشکلاتی شده‌اند و به دنبال راه حلی برای رفع آنها هستند. نمایش «لبیرو» هرشب ساعت ۱۹:۱۹ در سالن شماره یک عمارت ارغوان روی صحنه می‌رود. مخاطبان و علاقه‌مندان به این اثر نمایشی می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت تیوال مراجعه کنند.

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- سردبیر:** کمیل نقی پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبیوضی (سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)
- آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)

- علی کاکا ذرفولی (سیاست) • فرزنا قلعه‌دار(حوادث)
- اسماعیل علوی (پایداری) • لیدا فخری(اندیشه)
- محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کیشوری
- (زیست‌بوم) سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی) • محسن جانی پور
- (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول

به نمایشنامه‌نویسان اعتماد بیشتری شود

تقریباً تلاش می‌کنم خودم باشم. واقعیت این است که وقتی روی صحنه می‌روی و تماشاگران تو را به نظاره می‌نشینند باید به باورپذیری نقش برای مخاطبان از طریق بیان، بدن، حس و حال دیالوگ توجه داشته باشی. در «فیش‌آباد» هم که این روزها روی صحنه دارم و متن آن را نوشته‌ام هم به‌دلیل اینکه در هر شکل شخصیت نمایشی با سبروس همتی در عالم واقع تفاوت‌هایی دارد، مخاطب با سبروس همتی غلوشده مواجه است یا بهتر است بگویم سبروس همتی بزرگنمایی شده در بیان، بدن، لحن، آوا و تأکید روی کلمات. با همه اینها اگر موضوع خوب باشد اما تکنیک و ساختار نمایشنامه مناسب نباشد؛ مخاطب با کار ارتباط برقرار نخواهد کرد اما به نظرم باید اجازه انتخاب موضوع وجود داشته باشد چراکه تنها در این صورت اتفاقات خوبی برای همه رقم خواهد خورد. اگر به نمایشنامه‌نویسان اعتماد بیشتری شود، کارگردانان برای انتخاب متن هم راحت‌تر هستند و هم می‌توانند تشخیص دهند که چه متنی از لحاظ فنی و ساختار و محتوا بیشتر به درد مخاطبان می‌خورد. / بخشی از صحبت‌های این هنرمند در گفت‌وگو با «ایران‌نتاثر»

مکت

نگوییم استاندارد دوگانه؛ استاندارد غرب همین است

چند روز قبل همزمان با برگزاری نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خانم خبرنگاری از رولاند گومز، سخنگوی این شورا درباره تحریم های اقتصادی علیه ایران و پیامدهای آن بر مردم پرسید و گومز گفت: «من نمی‌توانم به این سؤال پاسخ بدهم.» یعنی در شورای حقوق بشر، جایی که ادعا می‌شود دغدغه «حقوق انسان» نویسنده و بازنگر

است خودداری می‌کند. در همین روزها زلزله مهیبی مرز میان ترکیه و سوریه را لرزاند اما آنچه از خود زلزله و ویرانی‌ها غم‌انگیزتر بود، تأثیر تحریم برآمدارسانی به مردم سوریه بود. پس از زلزله بسرعت امدادرسانی‌های بین‌المللی به ترکیه ارسال شد اما مردم زلزله زده و جنگ زده سوریه هنوز هم با بحران مواجه هستند. پس از زلزله بسیاری از شهروندان به ویژه سوری‌های ساکن در کشورهای دیگر تلاش کردند با راه اندازی کارزارهای اینترنتی برای مردم زلزله‌زده کمک مالی جمع کنند اما بلافاصله این کارزارها و همه کمک‌های مالی مسدود شد و بهانه هم این بود: سوریه تحریم است. البته ایران و پس از آن روسیه و چین برای کمک به سوریه وارد عمل شدند اما همچنان تصویر دوگانه از تفاوت امدادرسانی‌ها به سوریه و ترکیه تکان دهنده بود.

یک سال قبل گزارشی درباره پیامدهای تحریم بر شهروندان عادی ایران منتشر شد و در آن آمده بود: براساس طرح ریچارد نفیو- معمار تحریم‌ها- امریکا، ایران را درست در زمانی که ارزش پول آن بشدت در حال کاهش بود، همچنان به واردات وابسته نگه می‌داشت. تحریم‌ها [روی کاغذ] بر واردات غذا و دارو اعمال نشده بود اما همزمان بر کالاهای لوکس و کرافتیمت هم اعمال شد. همزمان با کاهش ارزش پول، فقط افراد ثروتمند می‌توانستند همچنان از مزایا و خرید این کالاهای لوکس بهره‌مند شوند. این راهبرد در واقع از تقاضای بدون کشش بهره می‌برد. یعنی همزمان که افراد فقیربه غذا و دارو نیاز داشتند، افراد ثروتمند به خرید کالاهای لوکس ادامه می‌دادند. هر یک دلار که برای کالاهای لوکس هزینه می‌شد، قیمت غذا و داروی وارداتی را افزایش می‌داد. دولت اوپاما با این‌کار به دنبال افزایش تورم و افزایش نابرابری در جامعه بود.

روزهای اوج شیوع کرونا را به یاد می‌آورید که همین تحریم مانع از ارسال دارو و تجهیزات درمانی به ایران می‌شد. شرکت‌های دارویی دیگر به صورت رسمی و آشکار می‌گفتند که به دلیل تحریم نمی‌توانند به ایران دارو بفروشند. در همین گزارش آمده بود که دوران کرونا دسترسی به تجهیزات حفاظت شخصی، دستگاه اسکلرین و بعد هم واکسن برای ایران بسیار سخت بود.

حالا یکبار دیگر بعد از خواندن آنکه تحریم‌ها چگونه و با چه شدتی مردم عادی را در ایران، سوریه، کوبا، ونزوئلا و … نشان گرفته‌اند به بخش اول این یادداشت برگردید تا بهتر متوجه شوید استاندارد دوگانه درباره حقوق بشر چه معنایی دارد. البته شاید هم دیگر نباید بگوییم استاندارد دوگانه؛ شاید اصلاً استاندارد غرب همین است.

پیشنهاد

برای آن پرنده سیاه بادبادکی

روی پوستر فیلم با فونت درشت نوشته: «اولین مستندی که جایزه بهترین مستند را در سان دنس و کن برده» و باقی یک قاب رخ از یک مرد کوچک شکاری است و همین برای اینکه مخاطب سینمای مستند را ترغیب به دیدن آخرین ساخته شوناک سن کند، کافی است.

وضع زیست محیطی در دهلی نو واقعاً عجیب و غریب است، تقریباً مثل بیشتر جاهای دیگر در هند. قاب‌هایی که مستند از حجم میزله‌ها و پرده‌س زدن حیوانات بین آنها به تصویر کشیده واقعاً مضطرب‌کننده‌اند. حجم سیاه دود و مه باعث شده این شهر، یکی از آلوده‌ترین مکان‌ها برای زندگی در جهان باشد. اما آن بالا، شاید کمی بالاتر از آلودگی یک پرنده شکاری کوچک دارد تلاش می‌کند که در این حجم چرک و به هم فشرده غرق نشود و البته پیداست مقاومتش چندان درپیا نخواهد بود.

ندیم شهزاد و محمد دو برادر اهل وزیرآباد هند، ۲۰ سال گذشته زندگی شان را وقف مراقبت از این «بادبادک‌های سیاه» کرده‌اند و در خانه کوچک خودشان که حالا تبدیل به درمانگاه پرندگان شده ۲۰۰۰ قطعه از آنها را تیمار کرده و به طبیعت بازگردانده‌اند. یکی از آن دو همان ابتدای فیلم می‌گوید: «انسان‌ها اغلب فراموش می‌کنند که آنها هم تکه‌ای گوشت هستند و این مدخل جدیدی را در فیلم باز می‌کند که ما به واسطه آن به مصایب آن دو برادر در جامعه ملتهد دهلی وارد می‌شویم. تصویربرداری مستند شگفت‌انگیز است. بن برنهار، ریچو داس و ساومیناندا ساسی از ریزترین عتکوت‌ها تا بزرگترین گاوهایی را که در کوچه‌ها پرسه می‌زنند از جلوی قاب دوربین‌شان گذرانده‌اند. این بویژه درهم‌تنیدگی زندگی انسان و حیوان را در دهلی‌نو به خوبی بیان می‌کند و برای این از هیچ خلایق‌بندی فروگذار نمی‌کند.

در لایه‌های دیگر مستند مردم‌شناسی و فرهنگ چندگانه در دهلی مورد توجه قرار می‌گیرد، اصلاً اینجا چرا دامپزشکی‌ها به این پرندگان خدمات نمی‌دهند ریشه در آیین هندو دارد، چون آنها گوشتخوراند نه گیاهخوار و این‌ها هم ندیم و سعود مسلم‌اند و در سنت اسلام، غذا دادن به پرندگان خوش‌یمن است. این دوگانگی فرهنگی و مذهبی در جایی از فیلم، بین پس از تصویب لایحه شهروندی توسط دولت، باعث یک درگیری خونین بین شهروندان دهلی می‌شود و اینجا مسأله رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد.

درست است که مستند شوناک سن یک کار محیط زیستی است و به تأثیر مخرب رفتار انسان‌ها به زبانه‌های دیگر جانداران می‌پردازد اما وجه متمیزه و تفاوت اصلی او در نوع نگاه و پرداخت متفاوت به موضوع است. او به هیچ وجه به شیوه سنتی ایران کار را انجام نمی‌دهد، بلکه به خوبی و در جایی که باید نقش و تأثیر مردم‌شناسی دهلی و بحران‌های اجتماعی آن را بر موضوع مستند خود مطرح می‌کند. کارگردان این دیدگاه را از روابط و رفتار دو سوزه اصلی‌اش بیرون می‌کشد. «همه‌آن‌هایی که نفس می‌کشند» داستان پایداری و مقاومت است، داستان سازده‌ها در برابر موانع است، اینکه در همه حال آمای تنها چیزی است که باید از دست نداد. این تصویری از دو مرد خستگی‌ناپذیر است که برای جهانی بهتر تلاش می‌کنند. مستند «همه‌آتهایی که نفس می‌کشند» در کنار دیگر نامزدهای بهترین مستند اسکار امسال، منتظر اعلام نتایج است.

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰۰ نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰۵۳۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه اینزو-۱۹۰ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



اکه آدم کسی رو نداشته باشه دیوونه میشه. فرقی نمی‌کنه طرف آدم کی باشه. هرکی می‌خواد باشه! اما پهلوت باشه!

موش‌ها و آدم‌ها، جان اشتاین بک

یادداشت

کهنه پردازی

این هفته یازدهمین دوسالانه نگارگری افتتاح شد. دوسالانه ای که بین دو دوره متوالی آن بیش از پنج سال فاصله افتاده و کمتر کسی به باید‌ها و نبایدهای آن پرداخته است مگر این که با عباراتی هیجانی و کلی‌گویی از لزوم برگزاری آن گفته باشد. آیا باید یک دوسالانه ملی را در حد یک خواسته صنفی یا یک دوره‌می شغلی تنزل داد؟ اساساً آنچه در حوزه نگارگری اتفاق می‌افتد، ظرفیت یک رویداد ملی را دارد؟ رویدادی که خواسته یا ناخواسته، قطعاً علاوه بر نقش و نگارهای جذاب، نگاهی به کردارها و کارکردهای اجتماعی هم داشته باشد.

نیما یوشیج در تولد یک سالگی پسرش نوشت: «پسرم یک بهار، یک تابستان، یک پاییز و یک زمستان را دیدی… زین پس همه چیز جهان تکراریست: جز محبت و مهربانی.»

اگر متهم به اهانت به ساحت تقدس آمیز هنر ملی نمی‌شوم، باید بگویم: «یک پرداز و یک قلمگیری و… نگارگری را دیدی، زین پس به استثنای معدودی مثل آثار فرح اصولی، علی اکبر صادقی و… باقی آثار تکراریست.» «یک رستم و سهراب، یک لیلی و مجنون، یک مجلس بزم و یک مجلس رزم و… را دیدی، غیر از چند موضوع سفارشی از شخصیت‌های معاصر، موضوع باقی آثار تکراریست.»

با کمی فاصله از مخاطبان نگارگری در نمایشگاه‌ها بایستید و به حرف هایشان گوش کنید. قریب به اتفاق؛ چیزی جز تمجید از دقت و ظرافت اجرا نیست. یاداکثر وفاداری به قواعد تکبیک بندی سنتی نمی‌شنوید. بحث میان استادان صاحب‌نام نگارگری هم چندان از این محدوده خارج نیست. حداکثر ممکن است عده ای تلاش کنند

به زحمت، هندسه و فلسفه‌ای نجسب و اغراق آمیز را به آثار هنرمندی نسبت دهند یا عوالم عارفانه و کرامات افسانه‌ای برای درگذشتگان بترانند. که باز هم برای تأیید همین گفت وگوها که ارتباطی به نقد هنری ندارد، اجباراً آنها را با خاطره یکی از هنرمندان قدیم و یا چند پیشینیان مقایسه خواهند کرد. غیر از آن چند نمونه استثنایی مورد اشاره که البته بیشتر مدیون مفاهیم نقاشی مدرن و معاصر هستند تا آموخته‌های فنی، آخرین باری را که از محتوای یک اثر نگارگری یا از موضوع یک اثر نگارگری یا از خلایقیت و… یک اثر نگارگری متعجب شده‌اید یا به فکر فرو رفته‌اید، به خاطر می‌آورید؟ وقتی گذشته نگارگری اصلی‌ترین معیار آفرینش باشد و میل به بازگشت بر غالب ذهنیت نگارگران غلبه کند، خلایقیت تا چه اندازه میدان شکوفایی خواهد داشت؟ و اتصال به مفهوم «معاصر» چگونه شکل می‌گیرد؟ غیر از این که در اقداماتی سطحی و شعاری و محفلی باقی بماند. به گمانم تعریف هنر و آنچه امروزه به عنوان هنر شناخته می‌شود. فاصله زیادی با تولیدات امروزی نگارگری دارد. آنچه در هنرهای سنتی را بدای غیرقابل نقد «عرفان» عرضه می‌کرد، در هنر معاصربه سمت‌فلسفه حرکت کرده است

سنتی بارِ دای غیرقابل نقد «عرفان» عرضه‌می‌شد یا معنایپیدا می‌کرد، در هنرمعاصربه سمت‌فلسفه حرکت کرده است

عکس نوشت



مسجد حضرت رقیه (س) شیراز حدود ۱۷ سال محل برگزاری بزرگ‌ترین آیین پخت سمنو درکشوراست. در این آیین، به نیت ۱۴ معصوم ۱۴ دیگ سمنو پخت می‌شود. مراسم سمنوپزان مسجد حضرت رقیه(س) هرساله به نیت حضرت زهرا(س) و قبیل از عبد نوروز برای برکت سفره‌های هفت سین برگزار می‌شود. فارس گزارش تصویری از این آیین بزرگ پخت سمنو منتشر کرده است. / فارس